

تراژدی های استراتژیک، تراژدی آژاکس

مقدمه: سال 1387، در سالگرد کودتای 28 مرداد 1332 مطلبی تحت عنوان «رمزگشایی از کودتای 28 مرداد با نگاهی به شرایط امروز» منتشر شد. در این گزارش، پیش بینی شده بود که دشمن بر آن است تا کودتای آژاکس را در قالب یک پروژه ی براندازی شبه قانونی در انتخابات دهم ریاست جمهوری تکرار نماید.

مطلب منتشر شده در واقع خلاصه ای از کتاب در دست انتشار «مصدق و تراژدی آژاکس» بود که به دلیل تغییرات و اضافه شدن یک فصل مربوط به وقایع پیرامون انتخابات دهم ریاست جمهوری، انتشار آن به تعویق افتاد. اما به علت ضرورت روشن نمودن تطبیقی وضعیت موجود در این انتخابات با کودتای آژاکس علیه دولت مصدق، در این نوشتار به این بحث پرداخته شد تا چراغی برای حرکت اصلاحی روشن شود. زیرا هنوز بازی شیطان ادامه دارد.

نیمه ی دوم قرن بیستم؛ حرکت از اقدامات سخت به سوی اقدامات نرم
انسان مدرن رهیده از تقیدات دین و سنت ابتدای قرن بیستم، در باغ سبزی پیش روی خود می دید که گویی به کشفی بی سابقه پس از غفلتی چند هزار ساله به قدمت بشریت دست یافته است. سرمست از چنین اکتشافی کمر همت خویش را برای چیدن میوه های آن درخت بست. اما دیری نپایید که منابع را محدود دید و مطامع را بسیار. نتیجه ی طبیعی آن این که خون بارترین دوره ی زندگی بشریت رقم خورد.

در نیمه ی اول قرن بیستم دو جنگ جهانی بی سابقه، با بیش از 50 میلیون کشته، بر بشریت تحمیل شد. این وقایع، چنان شوکی به جهانیان وارد کرد که گویی زلزله ای مهیب، آن باغ سبز را به ویرانه ای تبدیل کرده است. اروپای صنعتی، به تلی از خاک تبدیل شده بود. آسیا و آفریقا، هنوز کمر از فشار استعمار غرب راست نکرده بودند. روسیه ی پهناور هم که درگیر مسائل داخلی خود بود. تنها می ماند آمریکا که کمترین ضرر و بیشترین نفع را از این همه جنگ و جنایت برده بود. اکنون نوبت یکه تازی ابرقدرتی جدید در جهان بود تا این جزایر از هم پاشیده را در دهکده ای جهانی جمع کند به کدخدایی آمریکایی که آن زمان قدرت اقتصادی نخست جهان بود. نیمه ی دوم قرن بیستم به دوران سلطنت این حاکم جدید تبدیل گردید.

اما در دوره‌ی جدید، دیگر کشتن اقدامات سخت و خشونت‌بار گذشته نبود. جراحات وارده بر پیکر بشریت آن قدر عمیق بود که دیگر تحمل جنگ‌های تمام عیار و گسترده ناممکن می‌نمود. علاوه بر این، باغ سبز مدرنیته‌ای که ایدئولوژی‌های مختلف آن مانند سوسیالیسم و ناسیونالیسم و لیبرالیسم و ... این فجایع را به بار آورده بودند، باید چهره‌ای دیگر به جهانیان عرضه می‌کرد تا مقبولیت خویش را حفظ کند. همچنین به علت وجود قدرت شوروی، انجام هر عملیات نظامی مخالف با منافع وی توسط آمریکا، پاسخ نظامی او را در پی داشت که هزینه‌ی این گونه اقدامات نظامی را برای استعمار نو بالا می‌برد. لذا دکتربین جدید آن، به عنوان تابلوی مدرنیته، سوق به سوی اقدامات نرم و نیمه سخت بود. البته این به معنای حذف کامل گزینه‌های نظامی از اقدامات استعمار نو نبود. اما مقصود، آن که کنش‌های نرم و نیمه سخت پررنگ‌تر شدند. این روندی است که تاکنون نیز ادامه داشته و به مرور تاکتیک‌ها و تکنیک‌های آن بهینه می‌شود.

کودتاهای نیمه سخت و کم خشونت

کشورهای مختلف جهان به دلیل نداشتن نظام منسجم نظری برای حکومت‌داری یا به ایدئولوژی سوسیالیسم به رهبری شوروی متمایل می‌شدند یا به ایدئولوژی لیبرالیسم به رهبری آمریکا. به هر صورت نتیجه یکی بود. استعمار جای خود را به استعمار نو داده. در مدل جدید، کارگزاران مختلف حکومتی از خود مردم همان جامعه بودند، اما نرم‌افزار حکومت‌داری چیزی نبود جز ایدئولوژی‌های مدرن، چپ و راست.

استراتژی استعمار نو، به جای لشکرکشی و اشغال مستقیم کشور هدف، به ایجاد یک دولت دست‌نشانده بسنده می‌شود تا آن دولت، نیات بیگانه را محقق سازد.

در این استراتژی بدون دخالت آشکار نظامی و با استفاده از توان همان مردم در جهت منافع آمریکا، دولتی برانداخته شده و دولتی دیگر جایگزین می‌شد. در این حالت، حساسیت کمتری برانگیخته می‌شد و تنش کمتری پدید می‌آمد و به ظاهر قواعد دموکراسی نیز رعایت شده بود. در اجرای این استراتژی، ژنرال‌ها و افسران نظامی، جای خود را به جاسوسان، دیپلمات‌ها، رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و ... دادند. نخستین نمونه‌ی به کارگیری این استراتژی در براندازی دولت محمد مصدق در واقعه‌ای موسوم به «کودتای 28 مرداد 1332» است که حدود 8 سال پس از پایان جنگ جهانی دوم رخ داد. این عملیات در راستای حفظ ایران در دایره‌ی کشورهای تحت لوای غرب بود. البته پیش از این، در مناطق کوچکی مانند هاوایی و ... براندازی‌هایی توسط آمریکا انجام شده

بود که البته به صورت محدود و با وارد نمودن نیروی نظامی بود. موفقیت حاصل از این استراتژی آن قدر برای آمریکایی‌ها مهم و شیرین بود که یک سال پس از آن در گواتمالا نیز علیه آربنز مورد استفاده گرفت. حتی بزرگترین رقیب غرب در آن دوران، یعنی شوروی نیز با استفاده از همین استراتژی پس از حدود 30 سال به زانو درآمد و فروپاشید تا خود و کشورهای تحت قیمومیت او به سمت غرب گرایش یابند.

کودتای 28 مرداد؛ عملیات آژاکس

اهمیت بررسی این کودتا به عنوان یکی از مهم ترین اقدامات غرب به رهبری آمریکا در براندازی نیمه سخت قابل انکار نیست. افرادی که دست‌اندرکار این کودتا بودند، بعدها به «کارکشته‌های 1953» معروف شدند. زمانی که کریمت روزولت، به عنوان افسر عملیات کودتا به وینستون چرچیل گزارش کودتا را می‌داد، این پاسخ را از وی شنید: «اگر کمی جوانتر بودم می‌توانستم در این عملیات و تحت فرماندهی شما (روزولت) خدمت کنم. اگر دستاوردهای این عملیات (کودتا) حفظ شود عالی‌ترین عملیات از هنگام پایان جنگ جهانی دوم تا امروز خواهد بود».

این عملیات، براندازی دولت مصدق و علیه جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بود که در اسناد منتشر شده از سوی سیا، تحت عنوان «عملیات آژاکس» (Ajax) یا «تراژاکس» - «Terajax» مخفف تراژدی آژاکس - از آن یاد شده است. در خصوص این عملیات تاکنون تحقیقات فراوانی انجام شده اما به دلیل آنکه از طرف نهادهای امنیتی کشورهای انگلیس و آمریکا اسناد و مدارک اندکی از آن واقعه منتشر شده که بیشتر آنها نیز مخدوش، ناقص و حتی با جهت‌گیری‌های خاص می‌باشند، لذا مورخین و تحلیل‌گران دچار نوعی سردرگمی در تبیین رفتار سیاسی دشمن، در آن زمان شده‌اند. یراوند آبراهامیان، مورخ، در خصوص منابع تحقیقاتی خویش در مورد این کودتا می‌گوید: «عبور یک شتر از سوراخ سوزن آسانتر از دسترسی یک تاریخ‌نگار به آرشیو سیا درباره‌ی کودتای 1332 ایران است. با وجود این که نیم قرن سپری شده، سلسله‌ی پهلوی ساقط گشته، جنگ سرد به پایان رسیده، اکثریت شرکت‌کنندگان در کودتا بدرود حیات گفته و مواد و اسناد مربوط به سایر عملیات پنهانی، از قبیل گواتمالا، منتشر شده‌اند، این آرشیوها کماکان غیرقابل دسترسی هستند».

در آوریل سال 2000 یک گزارش سیا درباره‌ی کودتای 28 مرداد 1332 پس از 45 سال به طور مرموزی در معرض دید عموم قرار گرفت. نشریه‌ی نیویورک تایمز از آن تحت عنوان «تاریخ پنهانی» که افشاکننده‌ی «اطلاعات بسیار مهم» و «طرز کار درونی کودتا» بود

یاد کرد. این سند برای مورخین بسیار مهم می‌نمود، اما برای رفتارشناسی دشمن باید از این اطلاعات تکنیکی عبور کرد و فهمید که دشمن چگونه فکر می‌کند. به این منظور نیاز به بینشی است که بتوان بستر فکری و فرهنگی که اقدامات دشمن در آن شکل می‌گیرد را شناخت. به این منظور باید باورها، عقاید، اسطوره‌ها، ادبیات (شعر، داستان، تراژدی‌ها و ...) را در تاریخ یک فرهنگ مطالعه نمود و در فضای آنان تنفس کرد تا بتوان فهمید که افراد آن فرهنگ چگونه فکر می‌کنند و در ادامه چگونه اقدام. با عنایت به این موضوع و پس از دست‌یابی به چنین دیدگاه کلی می‌توان با چینش اطلاعات به دست آمده درباره‌ی جزئیات واقعه، به تحلیل آن نشست. کما این که آنان نیز همین گونه عمل می‌کنند. در خاطرات کرمیت روزولت، کارگردان کودتای 28 مرداد 1332، نوشته شده است: «آقایان یک مساله را باید کاملاً روشن سازم. ما در این اعمال مخاطره آمیز موفق بودیم چون ارزیابی ما از وضعیت ایران صحیح بود.»

از این منظر باید در نظر داشت، غرب امروز ریشه در تفکر یونانی دارد. یونانیان مردمی اسطوره‌ای بوده و به اسطوره‌سازی و تراژدی‌سازی می‌پرداختند. غرب امروز هم از چنین قاعده‌ای مستثنی نیست. با نظر به توجه ویژه‌ی غربی‌ها به افسانه‌ها و تراژدی‌های مضبوط در ادبیات کهن یونان و نام‌گذاری خاص کودتای 28 مرداد به «عملیات آژاکس» می‌توان علی‌رغم قبض اطلاعاتی ایجادشده توسط سازمان سیا در رابطه با این واقعه به واقعیت ماجرا رسید. در واقع رمزگشایی کودتای 28 مرداد 1332 در تراژدی آژاکس نهفته است.

تراژدی آژاکس

آژاکس نام یکی از ژنرال‌های یونانی در جنگ تروا بود که دلاوری‌های فراوانی از خود نشان داد. هومر، حماسه سرای یونانی، بارها نام وی را در ایلید و اودیسه‌ی خود آورد. هر محقق در بررسی مواد ادبی یونان باستان حول محور آژاکس به تراژدی نویسنده‌ی زبردستی برمی‌خورد، که در عرصه‌ی درام و تراژدی فقط شکسپیر توانست به پای او برسد.

سوفوکل، تراژدی‌نویس حدود قرن پنجم قبل از میلاد یونان است. پدرش صاحب کارخانه‌ی شمشیرسازی بود و از جنگ‌های بین ایران و یونان ثروت فراوانی کسب کرد. وی در دوران طلایی یونان یعنی عصر پریکلس می‌زیست. سوفوکل عقیده‌ی راسخی به تقدیر داشت و همواره از رابطه‌ی میان انسان و تقدیر، و نقش آن بر سرنوشت او سخن رانده است. از نمایش‌نامه‌های معروف وی آژاکس، ادیپ شهریار، آنتیگون، ادیپ در کلونوس، الکترا، فیلوکت و زنان تراخیس است. به غیر از این هفت نمایش‌نامه بقیه از بین رفته است. در اهمیت او در میان متفکران دوران مدرن همین بس که دو نمایش‌نامه‌ی ادیپ و الکترا، زیربنای فکری و تحقیقات روان‌شناختی

فروید، پدر علم روان شناسی مدرن، بوده است. اما آنچه در این نوشتار مطمع نظر می باشد، یکی از نمایش نامه های مهم تراژدیک وی به نام آژاکس است که دکتربین های بنیادی آن، پایه ی اقدام در کودتای 28 مرداد است.

خلاصه ی نمایش نامه ی آژاکس

آژاکس که یک قهرمان یونانی است، مغرور شده و به نصایح پدرش مبنی بر لزوم استعانت از خداوند برای پیروزی گوش فرامی نهد. همچنین در برخورد با رقیبش اودیسه دچار حسادت می شود. الهه آتنا، الهه پشتیبان مردان جنگی که همیشه راه پیروزی را به ایشان می نمایاند، وی را فریب داده و پرده ای از اوهام بر رخ او می افکند. بینایی او از بین رفته و خردش زایل می شود. به علاوه، الهه آتنا به رقیب او اودیسه کمک می کند تا آبروی آژاکس را ببرد. البته الهه آتنا روش این کار یعنی شایعه پراکنی و تخریب را نیز به وی آموزش می دهد. اودیسه نیز با بزرگنمایی و رواج اشتباه آژاکس نزد مردم و القای این که چنین شخصیتی که خردش زایل شده دیگر قابل پیروی نمی باشد، مردم را از حمایت و پیروی وی منحرف می کند. لذا یاران و وفاداران آژاکس از وی دست کشیده و هر کدام از ترس انتقام اودیسه می گریزند. در آخر نیز، آژاکس چون آبروی خود را از دست رفته می بیند اقدام به خودکشی می کند. اودیسه هم که اکنون خود را پیروز ماجرا می بیند، با اصرار دیگران، اجازه می دهد که آژاکس را با احترام دفن کنند.

محوریابی دکترینال تراژدی آژاکس

تراژدی آژاکس، دکتربین های متعددی دارد که هر یک دستمایه ی داستان، فیلم سینمایی، و یا تئوری های علمی یا سیاست های کشورها شده است. در زیر به یازده مورد از دکتربین ها و استراتژی های تراژدی آژاکس اشاره می شود.

-این است قاعده ی کارها، بزرگان را هدف تیر ملامت کن، نشانه ات هرگز به خطا نخواهد رفت. اما هر چه دلت خواست درباره ی ما (ملاحان دریا) بگو، یکی را نخواهی یافت که از تو بپذیرد.

-شمتات و بدنامی، پیوسته در سر راه بزرگان خفته است. (اشاره به شمتات آژاکس از سوی اودیسه)

-از هدیه ی دشمن، پیوسته بلا خیزد. (اشاره به شمشیر هکتور که پس از کشته شدن او، به آژاکس اهدا شد)

-مردم زمانه می دانند که دوستی لنگرگاهی ناپایدار است که به هیچ روی اعتماد و ایمنی را نشاید.

-خدایان نسبت به کسانی که از حدود و رسوم بشری خارج شوند، خشم گرفته و آنها را موجوداتی عاصی و یاغی می شمردند.

-مردم نادان، قدر نعمت، آن گاه دانند که روزی آن را از دست دهند و به مصیبتی گرفتار آیند.

-آدمی هیچ گاه نباید دل خود را از بیم و خوف فارغ سازد. چرا که اگر ما پیوسته در پی کسب لذات و بهبودی دل خویش گام

برداریم، عاقبت تاوان خود کامگی خویش را خواهیم داد و به انواع رنج ها گرفتار می شویم.

-چه بسیار چیزها که چون آن را بنگری معنی آن را دریابی. راستی هم تا کسی چیزی را نبیند چه داند که در پس پرده ی غیب چه

نهفته است.

-هر چه گذرنده است زود به فراموشی سپرده می شود.

-خدایان چون به فکر شیطنت افتند مردان فرومایه و ناچیز از چنگ آزادگان و بزرگان می گریزند.

-یا باید با افتخار زیست یا با سربلندی هلاک شد. این است آن چه مردان آزاده ی جهان می کنند، همین و بس.

-زخمی که علاج آن تیغ است، به هیچ داروی دیگر درمان نتواند یافت.

مقایسه ی تطبیقی محورهای تراژدی آژاکس با کودتای 28 مرداد

در طرح ریزی کودتاهایی که منطبق با دکترین های روانی تراژدی آژاکس هستند، ایجاد یک جوّ روانی علیه فرد یا گروه دشمن یا رقیب مطمع نظر است. تا آن جایی که به مردم نشان داده شود، سران آنها دیگر لایق پیروی نبوده و با القای جوّ بی اعتمادی، بین آنان، یا مردم و طرفدارانشان شکاف ایجاد نمایند. این کار با تبلیغات مسموم و ایراد اتهامات مختلف، دروغ پراکنی و شایعه پراکنی و پوشاندن نقاط قوت و بزرگ کردن نقاط ضعف انجام می شود. حتی با ایجاد فشار روانی، قدرت تشخیص و تصمیم گیری فرد یا گروه هدف را مختل کرده و او را دچار اشتباه در عملکرد نموده و سپس با استفاده از فرصت به دست آمده، اشتباهات را بزرگنمایی کنند. اودیسه در نمایش نامه ی آژاکس از همین روش استفاده کرد. او با تخریب چهره ی آژاکس نزد مردم به وسیله ی رواج شایعات مختلف و یک کلاغ چهل کلاغ شدن آنها بین مردم، جوّ افکار عمومی را به سمت و سویی سوق می دهد که حتی طرفداران و یاران نزدیک آژاکس، پس از اشتباه او می گویند: «ما را دگر در اینجا کاری نیست جز آن که سر خود را بپوشیم و آهسته بگریزیم. یا به شتاب سوار قایق ها شده، پاروزنان رو به دریا نهیم تا از قهر و غضب فرماندهان خود و پسران(اتروس) رهایی یابیم». بدین ترتیب زمینه ی حذف رقیب اودیسه یعنی آژاکس فراهم آمد.

به تعبیر سوفوکل: «این است قاعده ی کارها، بزرگان را هدف تیر ملامت کن، نشانه ات هرگز به خطا نخواهد رفت. آری شماتت و

بدنامی پیوسته در سراسر راه بزرگان خفته است.»

اگر به خط سیر وقایع رخ داده ی کودتای 28 مرداد نگریسته شود، انطباق آن با روند تراژدی آژاکس کاملاً مشهود است. یعنی همان جوّ روانی مسموم علیه دکتر مصدق و آیت الله کاشانی و همراهان ایشان ایجاد شد. تا جایی که بین دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی که در یک جبهه کار می کردند، اختلافات اوج گرفته و نهایتاً این شکاف، باعث منزوی شدن مصدق شد و کار را برای فیصله دادن به دوران ریاست بر دولت ایران هموار ساخت تا جایی که به تبعید فرستاده شد. استیفن کینزر نویسنده ی کتاب «براندازی» در کتاب «همه ی مردان شاه» در خصوص همین موضوع تعبیری دارد که این نظر را تایید می کند: «مصدق مردی عمیقاً احساسی بود ... اگر روزولت می توانست راهی برای بهره برداری از این ویژگی های شخصی دشمن خود پیدا کند، ممکن بود بتواند تعادل آن «پیرمرد لعنتی» را به هم بریزد و او را به انجام یک حرکت غلط وادارد. این حرکت یک چالش کلاسیک جنگ روانی بود که فزاینده ترین بخش عملیات آژاکس محسوب می شد.»

در زمان ملی شدن صنعت نفت گروه کثیری از عمال سازمان جاسوسی سیا در ایران بودند که در ازای دریافت ده ها هزار دلار در ماه، علیه دکتر مصدق تبدیل می کردند و نشان می دادند که لایق گرفتن هر سنت از آن دلارها بودند. در آن دوران بنا به گفته ی استیفن کینزر «هیچ روزی سپری نشد مگر آن که سخنوری مزدبگیر سیا، مفسّر خبری مزدور سیا یا سیاستمداری وابسته به سیا، مصدق را طعن و لعن کرده باشد ... نقشه ی عملیات آژاکس، راه انداختن کارزار روانی شدید و پر دامنه ای را علیه دکتر مصدق پیش بینی کرده بود که سیا قبلاً در راه آن گام نهاده بود.»

مدل سازی کودتای آژاکس

همان طور که از قول آبراهامیان نقل شد، هنوز پس از حدود 60 سال از گذشت آن واقعه تاکنون اسناد و مدارک قابل توجهی از سوی سرویس های جاسوسی آمریکا و انگلیس درباره ی این کودتا منتشر نشده است. دلیل عمده ی آن می تواند برداشتن قید زمان در خصوص اجرای این عملیات و تبدیل آن به یک مدل عملیاتی در اقدامات نیمه سخت و نرم جهت انجام مکرر آن در سرنگونی دولت های ناخواسته ذکر نمود. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این کودتا با این مدل که برای نخستین بار در ایران اجرا شد، روش شناسی شد تا در آینده علیه خطر کمونیسم و تقابل غرب با شرق به کار گرفته شود.

دین ل. داج، افسر مورخ بخش خاور نزدیک، در یادداشت بر روی گزارش دونالد ویلبر، افسر عملیات کودتای 28 مرداد 1332 چنین

نوشته است: «عاقلاً نه این بود که نتایج و جمع بندی های به دست آمده پس از اتمام عملیات، مورد تاکید قرار گیرند و برخی از آنها در قالب توصیه هایی برای عملیات مشابه در آینده ارائه شوند». همچنین کریمت روزولت، کارگردان کودتا در کتاب خاطرات خود می افزاید: «اصل گزارش من چیز تازه ای نداشت ... فکر می کنم خیلی برایشان جالب بود. به خصوص برای یکی از آنها، جان فوستر دالس - وزیر امور خارجه ی آیزنهاور و یکی از ضد کمونیست های افراطی - که به صندلی تکیه زده بود ... چشمانش می درخشید ... ظاهراً نه تنها از آنچه می شنید لذت می برد، در عین حال مشغول نقشه کشی هم بود. نمی توانستم حدس بزنم چه در مغزش می گذرد، آیا ممکن است همین عملیات در آینده باز هم به منزله ی یک انقلاب یا ضد انقلاب تکرار گردد؟»

بعدها مشخص شد که روش کودتای 28 مرداد 1332 در گواتمالا و علیه دولت آربنز در سطح برخورد بین دو ابرقدرت به کار گرفته شد. در اروپا و آمریکا با خطرناک نشان دادن غول مارکسیسم از نفوذ آن جلوگیری کرده و موجبات فروپاشی شوروی را فراهم نمودند.

کودتای آژاکس 2 در ایران

پس از فروپاشی شوروی و حذف غول کمونیسم از معادلات جهانی به عنوان مانع اصلی امپراطوری لیبرال کاپیتالیسم، که در صدد ایجاد نظم نوین جهانی بود، مانع نوظهور جدیدی به نام انقلاب اسلامی به عنوان یک مدل زندگی در هارتلند دنیا، یعنی ایران، ظهور کرد. روش اقدام همان روش قدیمی بود. مجموعه ای از اقدامات نرم، نیمه سخت و سخت. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، هر سه نوع اقدام علیه ایران اسلامی انجام شد. پس از بی نتیجه بودن اقدامات سخت نظامی در خاک ایران به محاصره ی نظامی جمهوری اسلامی پرداختند. البته استراتژی های نظامی استعمار نو به رهبری آمریکا در دوران افول قدرت سیاسی روسیه قابل انجام بود که طی آن دو کشور افغانستان در 1380 و عراق در 1382 اشغال شدند و حضور نظامی غرب در اطراف ایران جدی شد. البته افزایش روزافزون قدرت ایران در جهان نسبت به ابتدای انقلاب، عاملی بود تا کنش های نظامی آمریکا و هم پیمانانشان محدود شود. لذا جهت حرکت انقلاب اسلامی ستیزی به سمت اقدامات نرم چرخش پیدا نمود.

این مسائل با نهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران همراه شد. مردم ایران در این انتخابات بار دیگر گفتمان انقلاب اسلامی را مورد تاکید قرار داده و دولتی اصول گرا را انتخاب نمودند. با انجام این انتخابات، به قدرت رسیدن حماس در فلسطین درست زیر گوش سرزمین های اشغالی، حزب الله لبنان در بالای سر او و پررنگ شدن فعالیت های ضد سرمایه داری در آمریکای جنوبی و ...

آمریکا و انگلیس و اسرائیل به یکباره امیدهای خود را جهت بر زمین زدن این انقلاب و فتح تمام جهان، چون سرابی دیدند که درست پس از خیز بلندشان در وقایع 11 سپتامبر و هزینه‌ی بسیاری که برای آن پرداختند، باید ناچار طرح اقدامی جدید را می‌ریختند. این مشکل استکبار با تثبیت دولت نهم در انتخابات دهمین دوره‌ی ریاست جمهوری ایران شدت گرفت.

این طرح جدید چیزی نبود جز همان پروژه‌ی قدیمی کودتای آژاکس که بارها امتحان خود را پس داده بود. باز همان روند عملیات روانی که با تخریب، سیاه‌نمایی، دروغ‌پردازی، تهمت زدن، تردیدزایی و ... علیه سران نظام جمهوری اسلامی همراه بود. ایجاد تردیدهای فراوان درباره‌ی لزوم دست‌یابی به انرژی هسته‌ای مانند آنچه در ملی‌سازی صنعت نفت در دوران مصدق اتفاق افتاد، اعلام خطر بنیادگرایی اسلامی مانند اعلام خطر کمونیسم در دوران قدرت شوروی، پوشاندن نقاط قوت دولت ایران در امور اقتصادی و برجسته‌سازی نقاط ضعف آن در این حوزه، غیرمنطقی‌اعلام کردن سیاست‌های پیش‌دستانه‌ی خارجی، ارائه‌ی آمارهای دروغ‌جهت ایراد تهمت علیه دولت و ... نمونه‌ای از اقدامات آنان برای آژاکس‌سازی و جهت‌ی دولت نهم بود. در این میان تحلیل محتوای سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب، برخی روزنامه‌های داخلی و خارجی و به‌خصوص اقدامات و اظهارات برخی عوامل داخلی از حدود یک سال پیش از انتخابات 22 خرداد 1388 مطلب فوق را تایید می‌کند.

وجاهت علی - مسلمان پاکستانی مقیم آمریکا - در مصاحبه‌ای با استیفن کینزر، حدود یک سال پیش از انتخابات ریاست جمهوری دهم، این پرسش را مطرح می‌کند: «ما رسماً می‌دانیم ایالات متحده در سال 1953 (1332) از طریق دخالت سیا در کنار انگلیس عملیاتی موسوم به «آژاکس» را به وسیله‌ی نفوذ در جامعه‌ی ایران انجام داد و به سرنگونی مصدق کمک کرد. آیا چیزی همانند آن در حال حاضر در حال وقوع است؟ آیا عملیات آژاکس دیگری در قرن 21 رخ خواهد داد؟» استیفن کینزر این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«ایالات متحده مبلغ 75 میلیون دلار را به؟ چی بهش می‌گوییم؟ نیروهای دموکراتیک در درون ایران اختصاص داده است. این اقدام از دریچه‌ی دید نیروهای دموکراتیک مذکور اقدامی شدیداً منفی و با نتیجه‌ی کاملاً معکوس بوده است. در حال حاضر ما نمی‌دانیم آیا مذاکراتی همه‌جانبه، نامحدود و بی‌قید و شرط می‌تواند نتایجی را که ما به آن امید داریم و خواهانش هستیم پدید آورد یا نه. با این حال این گزینه راه حلی ارزان و کم‌هزینه است. این کاملاً غیراخلاقی و برخلاف اصول انسانی است که پیش از آزمودن کلیه‌ی گزینه‌های آشتی‌آمیز به جنگ یک کشور رفت. آنچه ما باید انجام دهیم تلاش در این جهت به صورت جدی و صادقانه است. اگر این راه جواب ندهد، بسیار خوب اوضاع فرق می‌کند. اما باز هم می‌گوییم اندیشیدن در مورد حمله به ایران و برنامه‌ریزی برای این

اقدام پیش از آزمودن گزینه های جایگزین دیگر، اصلاً نه امکان پذیر است و نه قانونی و نه اخلاقی و در جهت منافع ایالات متحده و حفظ امنیت ملی آن نیز نمی باشد.»

به تازگی فیلمی مستند در آمریکا به نمایش درآمد با عنوان «ایران، مشکلی نیست»ی محور اصلی مورد اشاره ی آن لزوم انجام هر تغییر در وضعیت ایران، از طریق درون و توسط خود ایرانیان است. این فیلم مستند اشاره های فراوانی به وقایع کودتای 28 مرداد 1332 دارد و به نوعی اشاره دارد که استفاده از یک براندازی شبه قانونی (انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری ایران اسلامی) می تواند دولت قاطع و اصول گرای نهم را حذف نماید.

نتیجه گیری

با وجود تمام واقعیت های مذکور و تطابق زیاد روند اتفاقات پیرامون انتخابات دهم ریاست جمهوری با دوران ملی شدن صنعت نفت و به کارگیری چندباره ی کودتای آژاکس توسط استعمار نو در موقعیت های مختلف، متأسفانه برخی گروه های داخلی با غفلت از این موضوع هر روزه به نوعی دولت اصول گرای نهم و اکنون دهم را مورد تخریب قرار می دهند و سخن از مدارای سه ساله با آن را سر می دهند. مسأله در این میان، دولت نهم یا دهم نیست، بلکه دخالت قدرت های خارجی و تکرار پروژه هایی هم چون آژاکس، علیه کلیت امنیت ملی کشور مطرح است.

نتیجه ی کودتای 28 مرداد 1332 بیش از ربع قرن دیکتاتوری، پهلوی دوم بود که تنها انقلاب اسلامی توانست ریشه ی آن را بخشکاند. اینجا محل عبرت از تاریخ است که فرآیند کودتای ژوئن 2009 (22 خرداد 1388) در ابتدای دهه ی چهارم انقلاب اسلامی چه نتایج فاجعه باری می توانست به همراه داشته باشد؟! البته با درایت رهبری و هوشیاری مردم، کودتای آژاکس 2 به طور کامل به بار ننشست و شکست خورد. اما جای عبرت از تاریخ برای همگان باقی است. رهبر انقلاب اسلامی در سال 85 در دیدار با مسئولان، آنان را از غفلت و غرور (دو آسیب آژاکس) برحذر داشته و فرمودند که خداوند با هیچ کس عهد خویشاوندی ندارد و غافلان و مغروران را مجازات می نماید. ایشان در پاسخ به شکاف افکنی های داخلی نیز ضمن دعوت از تمامی کارگزاران نظام به وحدت و تبیین معیار و مرزهای اصول گرایی اصلاح طلبانه، بحث های خودی و غیرخودی را مطرح نموده و زمینه ی هرگونه شکاف و اختلاف را در میان گروه ها و احزاب از میان برده و خطرات را هشدار دادند.

در یک جمله می توان گفت کلید طلایی حل مشکلات، «بصیرت» است، به ویژه بصیرت خواص .

به تعبیر رابرت دریفوس نویسنده ی کتاب «بازی شیطان»، بازی شیطان هنوز ادامه دارد. چرا که در این سناریو تنها افراد و کشورها جای

خود را عوض می کنند، اما نقش ها و کاراکترها هنوز باقی هستند.

کسانی که از تاریخ درس نمی گیرند مجبور به تکرار آن خواهند شد.

منابع

- ماهنامه ی آفتاب یزد، شماره 13، سال دوم، اسفند 80.

- کودتا در کودتا، کریمت روزولت، دکتر علی اسلامی.

- الکترا، محمد سعیدی، نشر علمی فرهنگی، تهران، چهارم، 1382.

-وب سایت صدای آمریکا، نمایش نامه ی پارسیان: تراژدی سقوط یک امپراطوری.

- عملیات آژاکس، ترجمه ی ابوالقاسم راه چمنی، تهران، موسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران،

1382.

- روزنامه ی سرمایه، 22 تیرماه 1387، ترجمه ی لطف اله میثمی.

- استیفن کینز، همه ی مردان شاه، ، شهریار جوجیان، تهران، اختران، 1382.